

# بدیل واقعی، باید همین امروز متعهد شود



چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۱۱ می ۲۰۱۱  
فرهنگ قاسمی

## بدیل واقعی اشتراکی و تقسیم پذیراست

بدون جنبش‌های آلترناتیو سازی هرگز آلترناتیو واقعی<sup>۱</sup> بوجود نخواهد آمد، این جنبش‌ها هم نیاز به احزاب، وهم نیاز به افراد دارند وهم نیاز به رهبری و از همه مهمتر نیاز به نیروی انسانی با تجربه و جوان اهل عمل و زحمتکش دارند. از نظر تشکیلاتی شاید بهتر باشد نوعی تشکیلات جبهه‌ای، به مفهوم واقعی کلمه در فرم و محتوی را برای خود در نظر بگیرد و از

حداقل سلسله مراتب برخوردار گردد، به نظر می‌رسد این سلسله مراتب دمکراتیک برای هر آلترناتیو امری ضروری باشد.

نقطه مثبت جبهه‌ای بودن هر آلترناتیو این است که قاعدتا باید نحله‌های فکری و سیاسی گوناگون را به همکاری بطلبد، بدین ترتیب باید بتواند در یک سطح مشترک به خود هویت ملی بدهد و از مردم اعتماد و نمایندگی کسب کند. این شیوه به نوعی بیانگراجماع است. اما در دمکراسی هیچ اجباری هم بر اجماع نیست و نباید باشد. زیرا یک حاکمیت، از جمله همین جمهوری اسلامی حتما نباید تنها یک آلترناتیو داشته باشد. برعکس، اگر تعداد آلترناتیو بیش از یکی باشد نشانه رشد و تحول آن جامعه است. بنابراین هر شخص یا جمعیتی که در خود امکان ایجاد آلترناتیو، در نتیجه ظرفیت اداره جامعه را می‌بیند بهتر است برای کسب اعتماد ملی گام بردارد و هر شهروندی که در خود مسئولیت اجتماعی برای دفاع از حق خود و از حقوق دیگران را قائل است جای خود را در یکی از این آلترناتیوها خواهد یافت.<sup>۲</sup> و کمک آن خواهد پرداخت.

گاهی آنچه که می‌خواهیم با آنچه که بطور واقعی وجود دارد متفاوتست. زمانی می‌رسد که هر فرد اجتماعی و معقول و منطقی مجبور می‌شود تعدیلی بین آرمان خود و واقعیت موجود قائل گردد. اما در چالش‌های اجتماعی خواست‌های اصولی قابل اغماض نیستند، زیرا هم پافشاری بر اصول، مشروط بر اینکه در محدوده تعادل و عقلانیت بمانند و به افراط نگرایند، سرمایه‌های جامعه باز و بیدار هستند که زیربنای سکولاریسم و لایسیته را می‌سازند<sup>۳</sup> و به رشد دمکراسی کمک میکنند. از سوی دیگر پافشاری بر تفاوت‌ها نباید سد راه همسازی‌های کوچک و بزرگ برای بر زمین زدن رژیم‌های استبدادی و دیکتاتوری و همینطور به موازات آن حرکت در جهت تغییرهای بنیادی در رفتار

اجتماعی ما بعنوان انسان های متعهد و مسول شود. شرایط حاکم بر سر زمین بخت بر گشته ما و مردم مجروح، اما شرافتمند ما این هردو شرط مهم را لازم و ملزوم می‌کند.

اگر بپذیریم که حاکمیت و مدیریت یک جامعه باید دمکراتیک باشد، بدیل گرایی یا قبول آلترناتیو در سرلوحه خواست ها قرار می‌گیرد و از احترام بزرگی برخوردار میشود. در چنین حالتی اعمال قدرت، برای مسئولیتی موقت و مدتی محدود است، که عملی ساختن برنامه یی پیش بینی شده و هدفمند را در الویت اقداماتش قرار میدهد.<sup>4</sup>

اعمال قدرت برای اداره کردن در شرایطی مفید و معتبر است که سرشت موقتی داشته باشند و این سرشت موقتی در قرار داد های اجتماعی به روشنی ملحوظ شده باشد. کوشش در تصاحب مادام العمر آن بسیاری از مشکلات تمرکز طولانی مدت قدرت را به همراه آورده در نتیجه نیرو و توانایی ها را برای حفظ آنچه که باید گذرا باشد به هدر می دهد. بیهوده نیست که مدعیان مالکیت دایمی قدرت، تصور احاطه بر حقیقت را نیز دارند و بی جهت نیست که جویندگان حقیقت، واقعیت را فقط در نزد خود ندیده و با آسودگی خاطر می پذیرند که تصاحب طولانی مدت قدرت از حقیقت بسیار فاصله دارد. پس بطور طبیعی کسانی که چنین برداشتی از حاکمیت دارند، از تکیه دادن به قدرت بیزارند و قدرت را برای ایجاد و رشد ارزش های اجتماعی و انسانی و آسایش مردم به خدمت می گیرند. زیرا اینان واقعیت ملموس و زمینی را بر حقیقت آسمانی یا فلسفه ذهنی برتر میدانند و آنرا بیشتر می‌پذیرند، حقیقتی که صفت ثابت دارد و واقعیتی که متغیر، ناکامل اما تحول پذیر است و به همگان تعلق دارد یعنی اشتراکی<sup>5</sup> است .

با نگاهی دیگر میتوان مشاهده کرد که به همان اندازه که تغییر و تحول در جامعه بشری بشکل امری مداوم و غیر قابل تعطیل عرض اندام می‌کند به همان اندازه هم عمر استبداد و دیکتاتوری کوتاه و بی ثبات است. همیشه تغییرات کوچک اما عمیق یعنی در نگاهی استراتژیک به مفهومی که بخشی از کل برنامه سازندگی باشد اطمینان خاطر و اعتماد و امنیت می آفریند. هرآینه این تغییرات دائمی و کوچک در ارگانیسم یا اجتماعی به وظیفه خود عمل نکنند، ناچار برای جبران آنچه که باید به مرور و با آرامی و با تفکر و تامل و بطور برنامه ریزی شده صورت بگیرد آن ارگانیسم یا جامعه دستخوش طوفان غیر قابل کنترل و شورش همگانی و خیزش انقلابی می گردد در اثر آن، عوامل کمبود فرصت برای تعقل و عدم انتظام خود را به جامعه تحمیل می‌کنند که نتایج آن غالباً به سود مردم عادی نیست زیرا تا کنون هیچ کس در گرد باد و طوفان و نا آرامی نتوانسته است چیزی را بسازد. اسکاندیناوها ضرب المثلی دارند که میگویند: دریای طوفانی موقعیت مناسبی برای دزدان دریایی است. در فرهنگ غنی ما نیز ضرب المثل از آب گل الود ماهی گرفتن وجود دارد که همین مضمون را میدهد .

به همین جهت است که بدیل یا آلترناتیو باید در شرایطی آرام به دور از جار و جنجال و به ویژه با اشتراک مساعی هر چه بزرگتر

نیروهای حاضر در اپوزیسیون خود را فعال کند. آنچه که امروز در بخشی از دنیای عرب دیده میشود باید درس مهمی برای فردای ما باشد، وضعیت کنونی انقلابات آنان از یکسو نتیجه عدم تغییرات بنیادین در جامعه شان بوده است و از سوی دیگر حاصل نبود حداقل الترناتیوی است که اشتراکی و تقسیم پذیر باشد و در خود تدبیر و مدیریت داشته باشد. جنبش های انقلابی چند ماهه اخیر در کشورهای عربی بیانگر اعتراضی عمومی به شیوه های اداره این حاکمیت و خواستار از بین بردن فقر و فساد و استبداد است. در تحولات این انقلابات فاکتورهای نگران کننده یی را می توان مشاهده کرد که یکی از عمده ترین آنها دخالت قدرت های جهانی در تعیین آلترناتیو در این کشورهاست. یکی از مشاهدات در این تحولات آن است که هر اندازه حضور واقعی و فعال نیروهای اجتماعی و احزاب و سندیکاها و روشنفکران اپوزیسیون بیشتر دیده می شود به همان اندازه آلترناتیو معقولانه تر، مسولانه تر و خود مختار تر عمل می کند.

به همین جهت در روند جایابی قدرت، تفاوت های فاحش بین تونس و لیبی از نظریه چ کس پنهان نیست، اولی در حال تاسیس دولتی ملی است که نیروهای کاردان و متفکر که سالیان دراز در سایر کشورهای جهان به سر می بردند را برای ساختن دولتی دمکراتیک به میهن باز میخواند، در حالیکه در دومی جنگی داخلی بر پا شده و قدرت های بزرگ در حال ایجاد شورای ملی واگذاری قدرت به سرکرده گی فردی ناشناس هستند.<sup>6</sup>

### حقوق بشر و بدیل واقعی

سازمان ملل و منشور جهانی حقوق بشر علیرغم کاستی هایش و ایراداتی که بر آن وارد است و اصلاحاتی که باید در آن انجام گیرد یکی از دستاوردهای مهم قرن گذشته بوده است.

همواره یکی از از معضلات سازمان ملل متحد عدم وجود قدرت اجرایی موثر در تصمیمات اتخاذ شده آن بوده است. بویژه در مواردی که ملتی علیه دیکتاتور حاکم بر میهن خود قیام می کند و دیکتاتور به سرکوبی مردم می پردازد، در چنین شرایطی بنا بر اصل احترام به حاکمیت ملی هر گونه دخالت قدرت خارجی در امور داخلی یک کشور قدغن است.<sup>7</sup>

در همین شرایط، بسیاری از متفکرین جامعه بشری و ازادخواهان جهان و سازمان های حقوق بشری علیه سرکوب مردم توسط رژیم حاکم به اعتراض برمی خاستند، از مقامات بین المللی مطالبه کمک برای آن مردم میکردند. اگر این سازمان اقداماتی انجام میداد فقط جنبه توصیه و خواست و آرزو داشت و اجباری در کار نبود، زیرا عملاً سازمان ملل قدرت اجرائی لازم برای دخالت نداشت. در چنین وضعیتی دیکتاتور که قدرت نظامی داشت، به تنهایی یا با کمک یکی از ابر قدرت ها مردم را سرکوب و دیکتاتوری خود را مستحکم می ساخت. پس آنگاه با دادن رشوه و خرید اسلحه و کالاهای دیگر از هم پیمان های قدرتمدار سرمایه داری یا غیر سرمایه داری که در سرکوب مردمش شریک مستقیم

یا غیر مستقیم بودند باز بر اریکه استبداد تکیه میزد. در سال های اخیر احترام به حقوق بشر وضعیت دیگری یافته است که زمینه های فکری آن در دهه های اخیر توسط برخی از روشنفکران و دولت مردان سال های هشتاد مطرح شده بود، از جمله میشل روکار<sup>8</sup> اندیشمند سیاسی این تز را بیان کرد: برای جلوگیری از هجوم پناهمجویان سیاسی و اقتصادی از جهان رشد نیافته بجای بستن مرزها راه حل بهتر این است که کمک کنیم تا در این کشورها دمکراسی و اقتصاد رشد پیدا کند. .نقل به مضمون -مردم زیر سلطه زور و فشار فقر به ناچاری به جایی پناه خواهند برد که حداقل یکی از این دو را بتوانند بدست آورند. سال ها می بایست تا این اندیشه از راهروهای پر پیچ و خم اداری و سیاسی

سازمان ملل متحد عبور کرده و نظر مساعد اکثریت را کسب کند. امروز مشاهده میشود در برخی موارد این مقام بین المللی، علیرغم کمبود های فاحش اش، از جنبش های مردمی و آزادیخواهی در بدست آوردن حقشان حمایت می کند و بطور مستقیم یا غیر مستقیم حتی از مداخله نظامی دریغ نمی ورزد. علیرغم تدابیر بسیار مردم جهان هر روز شاهد کشتی های مملو از پناهمجویان و تمرکز هزاران از مردم ستم دیده در پشت مرزها اروپا هستند.

به عبارت دیگر امروز سازمان ملل در مواردی برای ایجاد تعادل در جنبش های اجتماعی و در مقابله با برخی از دیکتاتور ها از بازوی اجرایی و نظامی خود استفاده می کند. این اقدام ها از منظری شاید کافی نباشد و همینطور از منظری شاید در دست ابر قدرت ها عمل کند و منافع سرمایه داران را در نظر بگیرد و در حق حاکمیت ملتی دخالت کند.

طبیعتا، این جنبه ها با توجه به شرایط کنونی جهان نسبی و قابل تعمق اند. در استقلال کامل سازمان اداری و نهاد های تصمیم گیری سازمان ملل هنوز کمبود های زیادی قابل مشاهده است. اما در این چند سال اخیر، از شیلی و بوسنی گرفته تا عراق و افغانستان و لیبی عملکردها برای دمکراسی قابل چشم پوشی نبوده اند<sup>9</sup>

نظر من در این زمینه بسیار شفاف است: کوشش سازمان ملل متحد باید همواره در جهتی باشد که اختلافات داخلی یک ملت و دولت یا مناقشات دو یا چند دولت از میدان های جنگ و هدر دادن جان انسان های بیگناه و زخمی شدن جسم و روح آنها به سالن های مذاکرت انتقال یابد سازمان ملل در اینکار تا حدی موفق بوده است. بشریت باید با همه امکانات خود بکوشد تا این هدف از کیفیت بیشتری بر خوردار گردد.

تغییر در درون رژیم های دیکتاتوری آرمانی غیر ممکن است. زیرا تار و پود حاکمیت قدرتمدار طوری سامان گرفته و بافت یافته است که به آسانی نمیتوان آنرا تغییر داد.

عبارت زیر از قول ژوول سه زار بیان کاملی از جنون دیکتاتورهاست :همه مخالف من هستند حتی کسانی که میخواهند مرا نابود کنند.

در این گونه رژیم ها، دیکتاتور و اطرفیانش و بخش بزرگی از مسئولین آن نسبت به روند های معمولی حق و مسئولیت و قانون بی تفاوت هستند. زیستار و رفتاری بر آنها حاکم است که دور از رعایت انصاف و حق و عدالت است. این رفتار گاهی نیز خواست آنها نیست بلکه با زندگی و عادت های آنها عجین شده است. تغییر در این رفتار ها نیازمند کوشش های طولانی است. پس در رژیم های دیکتاتوری ابزار های قدرت طوری ساخته و آمیخته شده اند که تحمل روابط و مناسبات دمکراتیک را ندارند. تبدیل دیکتاتور به رهبری دمکرات غیر ممکن است و در تاریخ به ندرت اتفاق افتاده است که دیکتاتوری دمکرات شود.

اما دیده ایم که نظام های دیکتاتوری در اثر داشتن دولت های دمکرات توانسته اند در مسیر رشد دمکراسی گام بردارند. به همین دلیل باید کوشش ما ایرانی ها در موازات فعالیت برای برکناری رژیم جمهوری اسلامی ایران در ایجاد آلترناتیو واقعی، دمکرات و لائیک و سکولار نیز بطور جدی بکار گرفته شود. اگر غیر از این باشد به راستی کاری نکرده ایم و در راه استقرار دمکراسی کوشا نبوده ایم.

اگر با مفروضات فوق برخوردی واقع بینانه داشته باشیم شاید قبول کنیم که شاهزاده خیال های ما تنها در داستان ها یافت میشود و واقعیت عینی ندارد پس باید در اندیشه ساختن نیرویی جایگزین باشیم که بتواند در فردای برکناری دیکتاتور، برای استقرار نظم نو وارد عمل شود و با کمک مردم آگاه طرحی نو برنماید. از آنجا که روابط و مناسبات حاکم بر جامعه کنونی از طبیعت احترام به حقوق بر خوردار نیستند دلمشغولی هر انسان واقع بین حتما این است که این فرهنگ به راحتی بدست نخواهد آمد مقاومت های مستقیم و غیرمستقیم، خواسته و ناخواسته، در برابر تغییر قد راست خواهند نمود.

هر الترناتیو واقعی و جدی غیر از هفت شرطی که در نوشته قبلی آماده است<sup>10</sup> باید همینطور تمامی شانس ها و امکان ها را با خود همراه و همساز کند و به روشنی و صراحت در دو زمینه زیر نیز متعهد شود:

۱- در مقابل مردم خود، تعهد کند که حقوق فردی و اجتماعی آنها و منشور جهانی حقوق بشر را را بی کم و کاست محترم خواهد شمرد، علاوه براین از مردم بخواهد که نه تنها آنها نیز این اصول را در رفتار روزانه خود رعایت کنند، بلکه هر فرد و هر مسول و همچنین کل نظام را ملتزم کند تا در رعایت منشور جهانی حقوق بشر کوشا باشد. بدین گونه مردم هم مسئولیت خود را در چارچوب قوانینی که به تصویب مجلس ملی رسیده باشد می شناسند و قبول میکنند که هر دولتی هر چند خیرخواه به تنهایی و بدون همکاری مردم به دمکراسی دست نخواهد یافت و دمکراسی امری اشتراکی است و به همه آحاد ملت و همه نهاد های دولت مربوط است

۲- حرف دوم تعهد بین المللی است. هرآلترناتیو باید درمقابل جامعه بین الملل تعهد کند که منشور جهانی حقوق بشر و تمامی میثاق های

وابسته به آنرا بی کم و کاست محترم شمارد و آن را جهانشمول<sup>11</sup> بداند و از آن به هیچ عذر و بهانه بی عدول نکند. این تعهد بین المللی هم مردم ایران را نسبت به این آلترناتیو خوشبین خواهد کرد وهم آن آلترناتیو وثوق و تایید بیش از پیش مردم را کسب خود کرد وهم با این تعهد مهم از مردم جهان و سازمان های رسمی بین المللی نوعی سند اعتبار کسب خواهد نمود که اگر روزی نسبت به تعهد خود عدول کند باید پاسخگو باشد .  
می ۲۰۱۱ پاریس  
پانوشتها :

<sup>1</sup> در تیترا این مقاله از کلمه واقعی استفاده شده است جا دارد تاکید شود که این صفت از آن نظر بکار گرفته شده است تا یاد آوری شود که آلترناتیو جمهوری اسلامی حتما باید از واقعیت های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی ایران و ایرانیان حرکت کرده و به آنها اتکا کند و بتواند نمایندگی اقشار و طبقات و نحله های فکری و سیاسی کشورمان را بطور منطقی و هر چه گسترده تر در بر بگیرد

<sup>2</sup>[http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com\\_content&view=article&id=3824:2011-04-05-21-47-52&catid=58:1389-02-24-20-05-16&Itemid=75](http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com_content&view=article&id=3824:2011-04-05-21-47-52&catid=58:1389-02-24-20-05-16&Itemid=75)

<sup>3</sup> نگاه کنید به مقاله نگارنده تحت عنوان گذار از جمهوری اسلامی و جدایی دین و دولت سخنرانی نویسنده در همایش جنبش جمهوریخواهان دمکرات و لایک ایران در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ در پاریس.

<sup>4</sup> کتاب حاکمیت ملت و انتخابات آزاد در ایران : همسازی، بدیل دور باطل در جنبش ۸۸ ص ۲۲۹-211 فرهنگ قاسمی چاپ دوم فوریه 2011 پاریس

<sup>5</sup>BADIOU/ZIZEK l'idée du communisme volume 2 Berlin 2010 nouvelle édition Lignes  
Commun et communauté

که از واژه کومونته می آید فضا که در آن همه نقشی دارند، هیچ تبعیضی بین افراد موجود نیست، مال همه است و تقسیم پذیر است، یک خواست و احساس مشترک را بیان می کند. واژه کمونیسیم هم از همین میاید نگاه کنید به : Gernot Kamecke & Henning Teschke p.133

<sup>6</sup>Moustapha Abdeljalil, le dirigeant du Conseil national de (transition libyen (CNT

<sup>7</sup> نمی توان از اینکه قدرت های خارجی این اصل را زیر پا گذارده اند مثل: ایران مصدق و شیلی الینده یاد نکرد.

<sup>8</sup>Michel ROCARD

کاندیدای ریاست جمهوری در انتخابات ۱۹۸۱ که به نفع میتران خود را کنار کشید.

<sup>9</sup> اما همین تشکیلات بین المللی برای اینکه بهبود پیدا کند نه تنها نیاز به انتقاد روشنفکران و آزادیخواهان متعهد و مترقی جهانی دارد

بلکه در اجلاس خود نیاز به چانه زدن و همسازی قوای معتقد به رشد دمکراسی و رشد اقتصادی توأمًا دارد تا انسان های فدا کار و بیطرف و دور اندیش و پر دل که در دفاع از حقوق بشر مماشات نمیکنند و بیشترسیاستمدار اند تا سیاست کار درمقام تصمیم گیری قرار گیرند. چنین مسولانی میتوانند مصوبات را به سود مردم جهان و نه صاحبان قدرت و ثروت تغییر دهند، به هر اندازه تغییر در جهان فقر و دیکتاتوری کاهش یابد به همان اندازه کیفیت نمایندگی در نهاد های جهانی افزایش پیدا میکند و نهایتا ظرفیت اجرای آن با شرایط واقعی انطباق پیدا میکند . بنظر میرسد تقویت آن بیشتر در جهت آزادی و دمکراسی که مفاهیمی نسبی هستند باشد.

<sup>10</sup>[http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com\\_content&view=article&id=3824:2011-04-05-21-47-52&catid=58:1389-02-24-20-05-16&Itemid=75](http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com_content&view=article&id=3824:2011-04-05-21-47-52&catid=58:1389-02-24-20-05-16&Itemid=75)

<sup>11</sup>[http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com\\_content&view=article&id=1906:2010-10-30-18-21-09&catid=58:1389-02-24-20-05-16&Itemid=75](http://www.rangin-kaman.org/v1/index.php?option=com_content&view=article&id=1906:2010-10-30-18-21-09&catid=58:1389-02-24-20-05-16&Itemid=75)